

داستان قیمه قیمه کردن شرکتهای نفت، گاز و پتروشیمی

توسعه تأسیسات اصلی و جنبی (جفر چاههای جدید در میادین در حال تولید ۲- اجرای طرحهای توسعه میادین و اجرای پروژههای سطح الارضی سرمایه‌ای با موافقت شرکت مادر. ۲- مدت شرکت: از تاریخ ثبت به مدت

که در تاریخ ۱۳۷۷/۱۲/۲۴ تحت شماره ۱۴۹۲۱۵ در این اداره به ثبت رسیده و در تاریخ ۷۷/۱۲/۲۷ از لحاظ امضاء ذیل ثبت تکمیل گردیده برای اطلاع عموم در روزنامه رسمی کشور و کثیرالانتشار اطلاعات آگهی می‌شود:

کارها، خیلی بی‌سر و صدا برنامه‌ریزی و اجرا شد و بدین لحاظ در جامعه شصت و چند میلیون نفری ایران کسی نفهمید کی، و چگونه، و تحت چه شرایطی عظیم‌ترین تأسیسات صنعتی و غنی‌ترین منابع طبیعی کشور چون گوشت قربانی قیمه قیمه شد.

این گزارش ناظر بر تشکیل تعداد زیادی شرکت برای در اختیارگیری و اداره تأسیسات نفتی و گازی و پتروشیمی‌ها، و نیز اکتشاف، استخراج، بالایش نفت خام و مشتقات نفتی، دخالت در صدور نفت خام، و نیز اداره صنایع مختلف پتروشیمی است.

باور کردنی نیست، ولی حقیقت دارد و ما ذیلاً این حقایق را برای آگاهی همگان بازگو می‌کنیم. اما لازم است نخست یک اصل قانون اساسی را مورد توجه قرار دهیم؛ زیرا همین اصل نشان می‌دهد آنچه در شرکت ملی نفت، شرکت پتروشیمی، شرکت گاز و زیر مجموعه‌های آن‌ها گذشته، قانونی بوده است، یا نه؟

قسمت نخست اصل چهارم و چهارم قانون اساسی صراحت دارد:

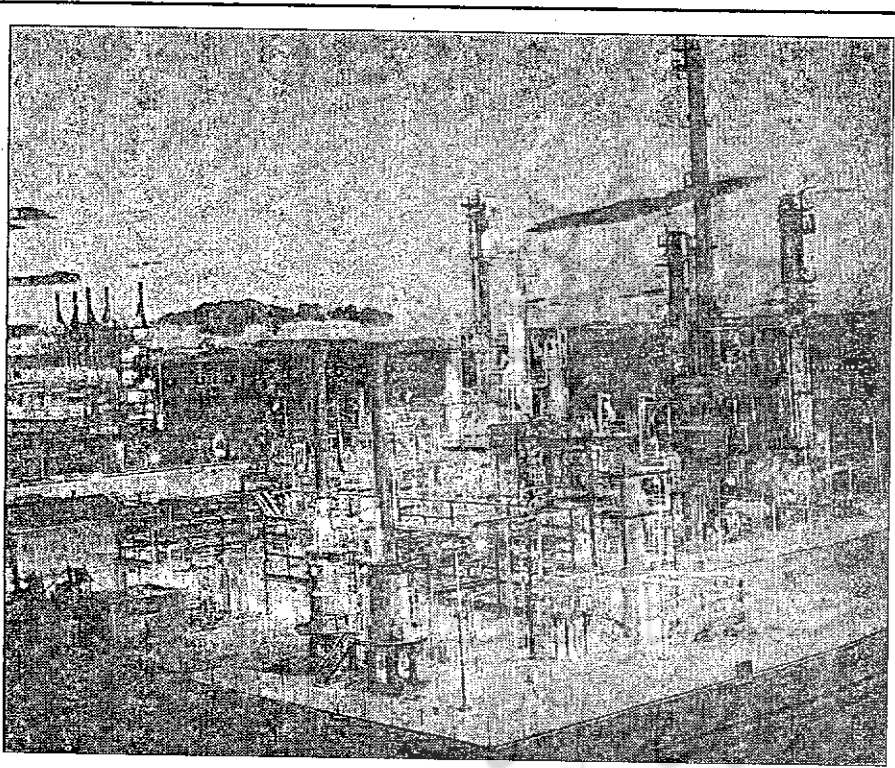
«نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح و استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها، شبکه‌های بزرگ آب‌رسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی در اختیار دولت است...»

اینک به متن یک آگهی که در لایه‌لای صفحات حجیم روزنامه رسمی و یک روزنامه عمومی چاپ شده توجه می‌کنیم:

«شماره ۲۲/۳۵۲۳۱ - ۱۳۷۷/۱۲/۲۷»

آگهی تأسیس شرکت بهره‌برداری نفت و گاز سیری سهامی خاص

خلاصه اظهارنامه و اساسنامه شرکت فوق



این تأسیسات عظیم که با سرمایه ملت ساخته شده چه سرنوشتی خواهد یافت؟ آیا همچنان در مالکیت دولت باقی می‌ماند یا چند سال دیگر خبردار خواهیم شد در مالکیت فلان شرکت سهامی خاص است؟

- ۱- موضوع شرکت: ۱- انجام مأموریتها و اجرای قراردادهای در زمینه الف - راهبری عملیات تولید، فرآورش و انتقال نفت و گاز و نظایر ب - نگهداری، بهینه‌سازی تعمیر کلیه تأسیسات سطح الارضی اصلی جنبی (واحدهای بهره‌برداری، پالایشگاه‌ها، خطوط لوله - دستگاه‌های تقویت فشار تأسیسات چاهی، تأسیسات برق، مخبرات، آنها جاده‌ها و نظایر آن) ج - انجام اصلاحات لازم در کلیه تأسیسات سطح الارضی فوق‌الذکر (تعمیر چاه‌ها، اصلاح و نامحدود
- ۳- مرکز اصلی شرکت: تهران خیابان طالقانی نیش حافظ ساختمان مرکزی شرکت ملی نفت ایران.
- ۴- سرمایه شرکت: مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ۱۰۰ سهم ۱۰/۰۰۰ ریالی با نام که مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال آن طی گواهی شماره ۲۳۴۰/۴۴۷ مورخه ۷۷/۱۲/۱۰ بانک تجارت شعبه ۱۷۶ پرداخت شد.
- ۵- اولین مدیران شرکت: آقای

مهدی دیانی در دشتی رییس هیأت مدیره و مجید فردادفر نایب رییس هیأت مدیره و مدیر عامل و قربانعلی کاظمی و علی لایجی و حسین اسلامی نژاد اعضای اصلی هیأت مدیره برای مدت دو سال و موسی شکوهی نژاد و سید قاسم موسوی راد اعضای علی‌البدل هیأت مدیره برای مدت دو سال تعیین شدند...»

چند نفر از مضمون این آگهی و دهها آگهی مشابه مطلع شده‌اند؟ چند نفر می‌دانند هدف از قیمة قیمة کردن واحدهای عظیم صنعتی نفت و گاز و پتروشیمی که از مصادیق اصل جهل و چهارم قانون هستند، چیست؟

درباره ماهیت این شرکتها

تمام شرکت‌های خاصی که برای بهره‌برداری و اداره تأسیسات نفت، گاز و پتروشیمی تشکیل شده و ذیلاً (در انتهای گزارش) فهرست تعدادی از آنها را ذکر می‌کنیم، دارای چند وجه مشترک هستند:

۱- مدیران آنها عموماً از بین کارکنان وزارت نفت، شرکت ملی نفت و شرکت‌های تابعه، شرکت ملی صنایع پتروشیمی و شرکت‌های تابعه برگزیده شده‌اند. این مدیران هر کدام در چند شرکت رییس یا عضو هیأت مدیره، مدیر عامل و یا بازرس هستند. [قابل توجه مجریان قانون ممنوعیت داشتن بیش از یک شغل دولتی!]

۲- در برخی آگهی‌ها انجام عملیات متوط به موافقت شرکت مادر، که باید همان شرکت ملی نفت باشد، شده است، بی‌آن‌که نحوه ارتباط آن شرکت مادر با این شرکت‌ها مشخص گردد.

۳- آدرس رسمی استقرار این شرکت‌ها یکی از ساختمانهای اصلی شرکت ملی نفت، شرکت ملی گاز و یا شرکت ملی صنایع پتروشیمی است.

۴- از متن آگهی‌ها قابل استنباط نیست که مدیران چه نقشی دارند؟ آیا صرفاً مدیرند یا سهام‌دار، و اگر سهام‌دارند، بر چه مبنایی سرمایه اولیه شرکتی که باید یک میدان نفت و گاز، و یا تأسیساتی نظیر - مثلاً پالایشگاه تهران یا اصفهان - را تحت اختیار بگیرد، صد یا دویست یا نهایتاً پانصد هزار تومان تعیین شده است؟

۵- در هیچ یک از آگهی‌ها نام سهامداران ذکر نشده تا مشخص شود این «شرکت‌های خاص» تحت مالکیت دولتی یا افراد؟! فقط به ذکر این نکته اکتفا شده که «سرمایه شرکت

مبلغ..... ریال است که مبلغ..... ریال آن طی گواهی شماره..... بانک..... پرداخت و بقیه در تعهد صاحبان سهام است» این صاحبان سهام چه کسانی هستند. دولت یا...؟ ما فرض را بر این می‌گذاریم که شرکت‌های مزبور برای تقسیم کارها در شرکت‌های نفت - گاز و پتروشیمی تشکیل شده است. در این صورت هم این پرسش‌ها مطرح است:

الف - دولت ایران بسیار حجیم است. تبدیل یک شرکت به چند ده شرکت جدید معنای گسترش مؤسسات دولتی و بالا بردن هزینه‌های دولت را ندارد؟ هر یک از این شرکت‌ها هیأت مدیره، بازرس، مدیر عامل، تعدادی نامعلوم کارمند جدید - وسایل اداری جدید، خودروهای جدید و... خواهند داشت که اگر پرداخت حقوق و تأمین هزینه‌ها بر عهده خزانه دولت باشد، این امر وضع برنامه کوچک‌تر کردن دولت و کاستن از هزینه‌های آن مغایرت دارد.

**با تشکیل دهها شرکت
برای اکتشاف، استخراج
بهره‌برداری، فرآوری و
فروش نفت، گاز و
محصولات پتروشیمی،
این برشی مطرح است
که نقش و سهم دولت و
ملیت ایران در زمینه
صنایع نفت و گاز و
پتروشیمی در آینده
چیست؟**

ب - اگر این «شرکت‌های خاص» نیمه دولتی - نیمه خصوصی باشند یک دهان کجی آشکار به این نظریه و نتیجه‌گیری خواهند بود که: «شرکت‌هایی که نیمه دولتی - نیمه خصوصی هستند بنا به ماهیت، خود را از کنترل دیوان

محاسبات و سازمان بازرسی کل معاف می‌دانند، اما به هنگام دریافت مزایا و یا پرداخت مالیات، ماهیت دولتی بودن خود را به رخ می‌کشند. همین شرکت‌ها هستند که آفت اقتصاد کشور، و سربار دولت شده‌اند»

ج - باز هم با فرض دولتی بودن این شرکت‌ها این پرسش مطرح می‌شود در حالی که دولت موظف شده است تعداد زیادی از شرکت‌ها و کارخانجات خود را بفروشد، و خود را از شر آنها رها سازد، تشکیل شرکت‌های جدید با کدام منطق عقلانی قابل توجیه است؟ همانطور که فروش شرکت‌ها و کارخانه‌های دولتی براساس مصوبه مجلس شورای اسلامی امکان‌پذیر شده است، باید تشکیل این شرکت‌ها (خصوصاً که با اصل جهل و چهارم قانون اساسی پیوند دارند) با موافقت مجلس، و یا دست کم یک مصوبه دولت باشد. اما از آنجا که در هیچ یک از دهها فقره آگهی تشکیل این شرکت‌ها به چنین مصوباتی اشاره نشده، به نظر می‌رسد آن‌چه انجام شده و می‌شود، حاصل برنامه‌ریزی داخلی وزارت نفت و شرکت‌های تابعه آن باشد.

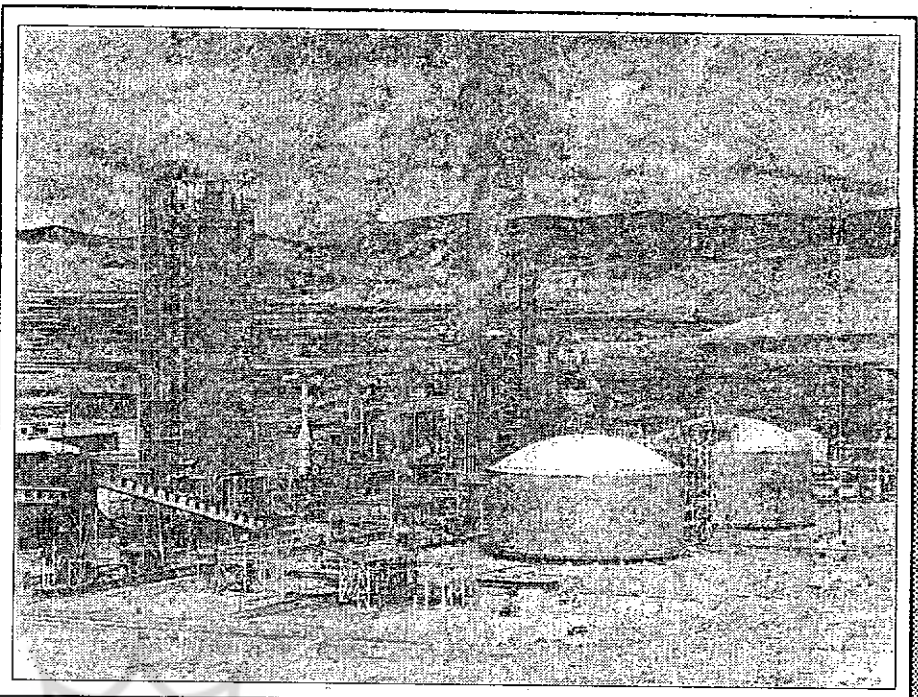
ه - به نظر می‌رسد تشکیل این شرکت‌ها مقدمه آغاز خصوصی سازی در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی باشد. اگر هدف این باشد، و این هدف هم مغایر با قانون اساسی نباشد، چرا سهام این شرکت‌ها به عموم عرضه نمی‌شود؟ چرا دایره محدودی پیرامون این شرکت‌ها کشیده شده، و فقط عده‌ای از مدیریت‌های شرکت‌های نفت، گاز و پتروشیمی عضو هیأت مدیره، مدیر عامل و بازرس این شرکت‌ها شده‌اند؟

قابل توجه سازمان بازرسی

سازمان بازرسی کل کشور، و تا حدودی دیوان محاسبات، در سال‌های گذشته با بررسی‌های پی‌گیر به نتایج قابل توجهی در مورد شرکت‌های نیمه دولتی رسیدند و گزارش‌های موثقی ارائه دادند که اگر به محتوای آنها توجه در خور می‌شد، ای بسا بسیاری از مشکلات ناشی از هزینه‌های بالای دولت و بوروکراسی فلج‌کننده فعلی، تاکنون حل شده بود. متأسفانه نه تنها وضعیت آن شرکت‌ها روشن نشد، بلکه به نظر می‌رسد صاحبان قدرت، براساس سلیاق و منافع خود در حال

چهارم حال و بختباری است. در رأس این شرکت نیز آقای بیژن نامدار زنگنه قرار دارد. آقای زنگنه در رأس شرکت‌های مشابهی با نام‌های شرکت نفت خزر (سهامی خاص) و شرکت خدمات اکتشاف نفت و گاز پارس (سهامی خاص) و شرکت نفت فلات قاره (سهامی خاص) نیز قرار دارد.

پیرو خبری که در شماره گذشته پیرامون تشکیل شرکت‌هایی برای کشف، استخراج، فروش سایر عملیات مربوطه در رابطه با نفت که در رأس همه آنها نام آقای بیژن نامدار زنگنه وزیر نفت دیده می‌شد، چاپ کردیم اکنون بدانید که گل بود، به سبزه نیز آراسته شد و بخوانید که برای پالایش نفت نیز چند شرکت سهامی خاص با نام‌های «شرکت پالایش نفت شیراز»، «شرکت پالایش نفت تهران»، «شرکت پالایش نفت بندرعباس»، «شرکت پالایش نفت لاوان»، «شرکت پالایش نفت تبریز»، «شرکت پالایش نفت اصفهان»، «شرکت پالایش نفت کرمانشاه» و «شرکت پالایش نفت آبادان» تشکیل شده است. در رأس هیأت مدیره همه این شرکت‌ها آقای محمد زالی قرار دارد و گروهی از اعضای هیأت مدیره آن‌ها این اشخاص هستند: نصرالله محمدی، عبدالرضا مهربان، محمود صیامی، مهیود فقیه، عباس کاظمی، علی اکبر ماهرخ زاد، آیت‌الله جوشن، منوچهر آقاناژاد، اسدالله میکاییلی، غلامرضا امیرشقایق، محمد خواجوی جهرمی، عبدالحمید قدیمی، حشمت‌الله ابراهیمی، میر محمد رضا موسوی، سید محمود امام‌زاده، علی نادری، فرخ بیضایی و علی اکبر صادقی. عدم توجه به این اطلاع‌رسانی موجب شد کار تشکیل این‌گونه شرکت‌ها با سرعت بیشتری ادامه یابد، بدون آن‌که توضیحی برای توجیه افکار عمومی، آرایه شود. متعاقب تشکیل شرکت‌های فوق‌الذکر، در واپسین ماه‌های سال گذشته تعداد دیگری شرکت با هدف بهره‌برداری از میادین نفت و گاز گچساران - زاگرس جنوبی - کارون - هرمزگان - گلستان - شیراز - لرستان - مسجد سلیمان و آغاچاری تشکیل شد.



میادین نفتی و پالایشگاه‌های کشور در ید شرکت‌های سهامی خاصی که در این گزارش به آنها اشاره شده، قرار گرفته است

پیش مبادرت به آرایه اطلاعاتی در این زمینه کرده بود، اما گویا موضوع مورد توجه قرار نگرفت. به دو نمونه از خبرهایی که در شماره‌های ۹۳ و ۹۴ ماهنامه چاپ شده است، توجه فرمایید:

به قول قدیمی‌ها کرمانشاه هم کرمانشاه قدیم و طوایف اسم و رسم‌دار و نامدار و معروفی چون زنگنه‌ها که بالاخره اکتشاف و استخراج نفت و گاز و فرآوری و حمل و نقل مواد نفتی را از انحصار دولت خارج کردند. دلیل آن هم تشکیل شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب (سهامی خاص) است که مدیران آن عبارتند از آقایان بیژن نامدار زنگنه (وزیر نفت) مهدی دیانی - رضا عبداللهی - جواد پورمند - غلامرضا جمال‌آبادی - رضا مهدوی مراد و اسکندر جمیدیان. سرمایه این شرکت پانصد هزار تومان، و محدوده فعالیت آن فعلاً جنوب غربی ایران است. در همین راستا شرکت دیگری با نام شرکت نفت مناطق مرکزی ایران با همان مبلغ سرمایه و همان هدف‌ها تشکیل شده که محدوده فعالیت آن استانهای لرستان، کردستان، کرمانشاه، مرکزی، قم، ایلام، خراسان، آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل، فارس، بوشهر، هرمزگان و

گسترش این‌گونه شرکت‌ها هستند. همان‌گونه که در آغاز گزارش وعده دادیم، نام تعدادی از شرکت‌هایی که در زیر مجموعه وزارت نفت، شرکت ملی نفت، شرکت ملی گاز و شرکت ملی صنایع پتروشیمی در یک ساله اخیر تشکیل شده است در انتهای این گزارش ذکر خواهد شد. باید دانست این شرکت‌ها، تمامی شرکت‌های مورد بحث را در بر نمی‌گیرد، و فقط شامل شرکت‌هایی است که گروه پژوهش ماهنامه «گزارش» موفق به شناسایی آنها شده‌اند. جز این، باید توجه داشت شرکت ملی صنایع پتروشیمی از چند سال قبل مبادرت به تشکیل این‌گونه شرکت‌ها کرده بود و لذا توصیه می‌شود برای دسترسی به سوابق این‌گونه فعالیت‌ها، حداقل نحوه عملکرد ۶ ساله اخیر شرکت ملی صنایع پتروشیمی مورد ارزیابی قرار گیرد.

مسئلاً بی‌گیری سازمان بازرسی کل کشور پرده از حقایق بر خواهد گرفت، و اگر هم سوء تفاهمی در این مورد پیش آمده باشد، حداقل به حسن تفاهم تبدیل خواهد شد و راه را بر گسترش شایعاتی از این قبیل که «مهم‌ترین صنایع و معادن کشور هم دارد به سرنویس و آگذاری اتومبیل‌های دولتی تبدیل می‌شود» سد خواهد کرد.

گفتنی است که ماهنامه گزارش از مدتی

شرکت‌های جدید

- در ماه‌های اخیر نیز تعداد دیگری از شرکت‌های مشابه به ثبت رسید. که فهرست تعدادی از آنها بدین قرار است:
- شرکت بهره‌برداری نفت و گاز تنگستان (سهامی خاص)
 - شرکت خدمات بندری نفت خزر (سهامی خاص)
 - شرکت تولید روغن موتور البرز تبریز (سهامی خاص)
 - شرکت تولید روغن موتور الوند آبادان (سهامی خاص)
 - شرکت تولید روغن موتور شفق اصفهان (سهامی خاص)
 - شرکت تولید روغن موتور شهاب تهران (سهامی خاص)
 - شرکت بهره‌برداری نفت و گاز هنگام (سهامی خاص)
 - شرکت بین‌المللی تدبیر نفت (سهامی خاص)*
 - شرکت خدمات بندری نفت ماهشهر (سهامی خاص)
 - شرکت تولید قیر تهران فرآورده (سهامی خاص)
 - شرکت بازرگانی فرآورده‌های نفتی ویژه (سهامی خاص)
 - شرکت منظروف سازی فرآورده‌های نفتی (سهامی خاص)
 - شرکت عملیات نفتی هرمز (سهامی خاص)
 - شرکت حفاری دریایی کاوش نفت (سهامی خاص)
 - شرکت حفاری پیشه (سهامی خاص)
 - شرکت بهره‌برداری نفت و گاز سروش (سهامی خاص)
 - شرکت پشتیبانی و عملیات غیرصنعتی پایا (سهامی خاص)
 - شرکت پایانه‌های صادراتی مواد نفتی (سهامی خاص)
 - شرکت حفاری شمال (سهامی خاص)
 - شرکت ماشین‌آلات صنعتی و ساختمانی نفت (سهامی خاص)
 - شرکت انتقال گسیل نفت و گاز (سهامی خاص)

بهره‌برداری استخراج و حتی فروش نفت خام از بیشترین میادین نفت و گاز، و اداره پالایشگاه‌ها، حمل و نقل مواد نفتی، اداره پتروشیمی‌ها و سایر امکانات در اختیار این شرکت‌ها قرار گرفته است.

- شرکت خدمات جنبی تلاش حفار (سهامی خاص)
- شرکت بهره‌برداری نفت و گاز درود (سهامی خاص)
- شرکت بهره‌برداری نفت و گاز خارک (سهامی خاص)
- شرکت بهره‌برداری نفت و گاز بهرگان (سهامی خاص)
- شرکت بهره‌برداری نفت و گاز لاوان (سهامی خاص)
- شرکت پتروشیمی عسلویه (سهامی خاص)
- شرکت پتروشیمی پویس (سهامی خاص)
- شرکت پتروشیمی دماوند (سهامی خاص)
- شرکت پتروشیمی مبین (سهامی خاص)
- شرکت پتروشیمی برزویه (سهامی خاص)
- شرکت پتروشیمی مارون (سهامی خاص)
- شرکت راهبران پتروشیمی (سهامی خاص)

بار دیگر یادآور می‌شویم:

- ۱- آدرس قانونی این شرکت‌ها یکی از ساختمان‌های وزارت نفت، شرکت ملی نفت ایران - شرکت ملی گاز یا شرکت ملی صنایع پتروشیمی است.
 - ۲- سرمایه هر کدام از این شرکت از یکصد تا حداکثر پانصد هزار تومان است.
 - ۳- اعضای هیأت مدیره این شرکت‌ها عده معدودی هستند که در شرکت‌های فوق‌الذکر سمت‌های متفاوت، و گاه مکرری دارند.
- با این توضیحات این پرسش اساسی مطرح است که آیا تشکیل این شرکت‌ها براساس مصوبه قانونی بوده؟ تشکیل آنها به صلاح است؟ مالکیت دولت به نیابت از ملت ایران را بر این منابع مورد خدشه قرار نمی‌دهد؟ دیوان محاسبات بر کار این شرکت‌ها نظارت دارد؟ دولت می‌تواند حقوق حقه خود را از عملیات این شرکت‌ها وصول کند؟ تضمینی وجود دارد که در آینده دولت بر کار این شرکت‌ها کنترل داشته باشد و... صدها پرسش اساسی دیگر که امیدواریم تحقیقات مجلس شورای اسلامی، سازمان بازرسی کل کشور، سازمان امور اداری و استخدامی و دیگر سازمان‌های مسؤول در این باره منتج به یافتن پاسخ‌های دقیق و قانع کننده‌ای شود.

* برای درک حیطه عملیات برخی از این شرکت‌ها شرح وظایف یکی از آنها، یعنی «شرکت بین‌المللی تدبیر نفت» را که آقای بیژن نامدار زنگنه وزیر نفت سمت ریاست هیأت مدیره آن را بر عهده دارد و سرمایه شرکت نیز یکصد هزار تومان است ذیلاً ذکر می‌کنیم.

۱- موضوع شرکت: انجام کلیه معاملات تجاری در زمینه‌های نفت خام و فرآورده‌های نفتی و گازی مواد نفتی از جمله خرید و فروش معاوضه مواد نفتی تولیدی در کشور و خارج از کشور، انجام معاملات در بازارهای مواد نفتی کاغذی و ذخیره‌سازی مواد نفتی ذخیره‌سازی آن در خارج از کشور، سرمایه‌گذاری در بخشهای پایین دستی و بالادستی صنایع نفت و گاز در خارج از کشور، سرمایه‌گذاری در بخشهای پولی بین‌المللی به منظور تقویت پشتوانه‌های مالی و اعتباری شرکت و همچنین انجام هرگونه معاملات تجاری دیگر که به تصویب مجمع عمومی شرکت برسد.